

نگاهی به شکل‌گیری انیمیشن زاگرب

برگرفته از Animation World Magazin

ترجمه: مریم بیانی



تنگ کرده است. تولیدات ارزان قیمت و انبوه ژاپنی، کارهای خوش رنگ دنیای دیزنی و تولیداتی با فن آوری بالا (Hitec) مشابه کارهای لوکاس و اسپیلبرگ، اکنون طنز و کنایه را مورد تهدید قرار داده و حداقل بیان‌های هنری را از پرده‌های نقره‌ای سینما به حاشیه رانده‌اند.

با چنین شرایطی به نظر می‌رسد تنها تعداد کمی از استودیوهای معتبر به تولید خود ادامه داده و فشار هزینه‌ها را تحمل می‌کنند.

زمانی که جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه «اوبرهاوزن» تصمیم گرفت از «استودیو زاگرب» فیلم «برای ۴۰ سال کار هنری برجسته و خلاقیت مستمر در یک بخش بزرگداشت تقدیر کند، این کار را نه تنها به خاطر روابط تاریخی نزدیک بین فستیوال ابرهاوزن و این استودیوی خاص انجام داد، بلکه برای آن بود که به یاد آورد نسلی از اروپای شرقی در خطر حذف شدن هستند. نسلی که «زاگرب فیلم» به نوعی نماینده آنها محسوب می‌شود.

فادیل هادزیک ناشر مجله «کرمپو» (Kerempuh) که اغلب با عنوان «کوکئوی یوگسلاوی» از او نام برده می‌شود از پیشگامان فیلم‌های انیمیشن در کرواسی بود. او به یمن کاریکاتوریست‌ها و کارهای چاپ شده آنها، آنقدر موفقیت بدست آورد که توانست مقداری از سود آن را در اولین فیلم کارتون‌ی این کشور سرمایه‌گذاری کند که یک کار ۱۷ دقیقه‌ای بود با عنوان **ملاقات بزرگ** که در سال ۱۹۴۹ ساخته شد. داستان تعدادی قورباغه را روایت می‌کند که توسط پشه‌ها مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد،

تغییرات اساسی که از ۱۹۸۹ در اروپا رخ داد تأثیرات خاص خود را برجای گذاشت. خیلی چیزها متحول شد، پیشرفت‌هایی صورت گرفت که البته تعدادشان بیشتر از ناکامی‌ها بود. یکی از این ناکامی‌ها، از میان رفتن آن چیزی بود که زمانی تولیدات انیمیشن هنرمندانه و پر قدرت کشورهای سوسیالیستی سابق به شمار می‌آمد. جایکه زمانی هنرمندان را با یک حقوق ثابت استخدام می‌کردند و بنابراین آنها به صورت تمام در خدمت خلق آثار خود قرار می‌گرفتند. هر چند بسالین آثار در خدمت تبلیغ و ترویج اهداف سوسیالیسم بود. این در حالی است که ما در شرایط حاضر در این کشورها با هرج و مرجی ناشی از نئوکاپیتالیسم خشن مواجه هستیم و از سوی دیگر تجهیز به سلاح با فن آوری کامپیوتری عرصه را بر تمامی آن خلاقیت‌ها

کمیک و تصویرگری و نقاشی برای کتاب‌ها و مجلات خسته شدند. آنها برای بازگشت به سرکار قبلی خود در اشتیاق می‌سوختند. آنها می‌خواستند فیلم‌های انیمیشن تولید کنند و حتی حاضر بودند که خود بودجه‌اش را تأمین نمایند. زاگرب فیلم (که در آن زمان منحصرراً روی مستندها کار می‌کرد) کنترل اجازه کپی و پخش فیلم‌ها را به عهده گرفت. استودیوی آنها اتاقی در یک هتل بود. جایی که آنها خودشان را با یک ماشین تحریر و یک تخته طراحی سرگرم می‌کردند و فقط وقتی بیرون می‌آمدند که یک ایده با تمام جزئیاتش را کار کرده بودند. زمانی که به عملیات پیشرفته تری نیاز پیدا می‌شد آنها از دوستانشان تقاضای کمک می‌کردند: نویسنده‌ها، آرشیکت‌ها و مجسمه‌سازها هر موقع لازم بود مهارت‌های حرفه‌ای خود را ارائه می‌دادند. از آنجا که مواد اولیه و بخصوص فویل‌های طراحی خوب کمیاب بود، آنها روش انیمیشن کاهش داده شده (Reduced Animation) را ابداع کردند. طراحی‌ها باید به حداقل ممکن محدود می‌شد بدون اینکه دینامیک حرکت از دست برود و در بعضی از فیلم‌ها نتیجه حتی تأثیر بصری قوی تری بود. میزان آزادی هنرمندان در روش انیمیشن کاهش یافته را اصلاً نباید دست کم گرفت. شیوه‌ای که در آن صرف تصویر یک واقعیت مشخص به طراحی آن واقعیت تبدیل می‌شد. این شیوه پیشرو آگهی‌های تجربی مدرن شد. در سبک انیمیشن کاهش داده شده کاریکاتوریست‌های زاگرب آزادی جدیدی را کشف کردند، و اصالت و خلاقیت خود را توسعه دادند. گام فیلم‌ها افزایش یافت و صحنه‌های

که کنایه‌ای است از شکست یوگسلاوی در برابر استالینیسیم. بنابراین هادزیک موفق شد که حمایت دولت را جلب کند. استودیوی «دوگا فیلم» را برای ساخت فیلم‌های انیمیشن تأسیس کند. «والتر نیوگیبور» که سبکش آشکارا تحت تأثیر دیزنی بود، کارگردان این گروه تولید برجسته شد. گروه دیگری به رهبری «دوشان وکوتیک» راه‌اندازی شد، که برای ساخت فیلمی «ملی» برای یوگسلاوی آزادی عمل تام دریافت کرد، تا فیلمی را بسازد که حس و حال کشور را منعکس سازد. در مجموع ۴ گروه در این استودیو وجود داشت. تقریباً همه تلاش می‌کردند تا در مورد چگونگی ساخت یک فیلم انیمیشن اطلاعاتی به دست آورند. از آنجا که یوگسلاوی تقریباً با بقیه دنیا قطع رابطه کرده بود کتابی درباره این موضوع وجود نداشت تا این که یک روز کتاب «چطور انیمیشن بسازیم» نوشته «پرستون بلیر» از طریق پست به دست آنها رسید و سرعت برای آنها حکم مرجع را پیدا کرد.

اما منبع اطلاعاتی جالب و مشابه دیگری نیز وجود داشت. فیلم‌های عروسکی ترنکا چک که کاملاً با مدل آمریکایی متفاوت بود. به علاوه، آنها دقیقاً از همان نوع شخصیت‌های ملی برخوردار بودند که این گروه‌ها به دنبالش بودند. اما این دوره آزمایشی فقط یک سال طول کشید و سرانجام استودیو مجبور شد که تعطیل کند، چون ساخت فیلم‌های انیمیشن خیلی گران بود و بهتر بود این پول را صرف مدرسه‌سازی می‌کردند ...

به زودی یک گروه از هنرمندان دوگای سابق از همکاران «کاستلاک» و «وکوتیک» از طراحی

منفرد از طریق اشکال جدید بیانی غنا یافتند.

- نکات ظریف معنایی در جزئیات حرکات فیلم‌های انیمیشن وارد شد و صراحت بیان از طریق سنجش ریزبینانه سکانس‌ها مورد تأیید قرار گرفت. در استودیوی «دوگا» یک فیلم انیمیشن معمولاً از ۱۲ تا ۱۵ هزار طراحی تشکیل می‌شد حال آنکه انیمیشن کاهش یافته تنها به ۴ الی ۵ هزار طراحی نیاز داشت. این فیلم‌ها اگرچه کاملاً جسورانه و آوانگارد بودند، اما هیچ یک از مشتری‌های تجاری شکایتی نداشتند و فیلمی را رد نکردند.

در ۱۹۶۵، وکوتیک، پدر فیلم انیمیشن کرواسی جایزه‌ای را در فستیوال پولا (Pula) کسب کرد. و زاگرب فیلم بالاخره استودیویی را که مدت‌های زیادی منتظر آن بود به دست آورد. در همان سال **روبات بازیگوش (Nestasni robot)** تولید شد که اولین فیلم انیمیشن استودیوی جدید «زاگرب فیلم» بود. پس از آن ۲۸۰ عنوان فیلم دیگر به علاوه ۵۹ فیلم از مجموعه **پروفسور بالتازار**، ۱۳ فیلم (هر کدام ۱۰ دقیقه) از سری **ماسک بازرس (Inspector Mask)** ۴۲ تا **گربه ماکسی (Maxi Cat)** (هر کدام ۱ دقیقه) و بیش از ۱۰۰ مینی فیلم (شیرین و شور) و فیلم‌های خرس کوچولوی پرنده... تولید شد.

در بهار ۱۹۵۸ فیلم سازان انیمیشن زاگرب اولین موفقیت خود را در اوبرهاوزن جشن گرفتند. این موفقیت با برنامه‌ای متعلق به خودشان در جشنواره «کن» دنبال شد. در اینجا این فیلم‌ها منتقدین و همچنین همکاران را با تکنیک پیشرفته و موضوعات جسورانه خود تحت تأثیر قرار داد.

جورج سادول وقایع نگار سینما و منتقد فیلم عنوان «مکتب زاگرب در فیلم انیمیشن» را به آنها داد و آخرین البته نه کم اهمیت ترین فیلم **ساماک تنها (The lonely Samac)** که کاری از میمیکاو مارکس بود جایزه‌ای برای بهترین فیلم انیمیشن در ونیز دریافت کرد. این اولین جایزه بین‌المللی برای فیلم زاگرب بود که تعداد زیادی جایزه دیگر نیز به دنبال داشت. زاگرب فیلم با وجود آنکه تنها یک بار در ۱۹۶۱ برنده اسکار شد (البته ۳ بار هم نامزد دریافت این جایزه شد) اما **سوروگات (۱۹۶۱)** نخستین برنده اسکار بود که در خارج از آمریکا ساخته شده بود.

البته با موفقیت اغلب با حسادت و بدگمانی (سؤظن) برخورد می‌شود. به جای حمایت از این استودیو و موفقیت‌های بین‌المللی آن استودیوی «کارگردانان هنری» (Artistic Pirectors) ایجاد شد. بر طبق اصل لنینیستی «اعتماد خوب، اما کنترل بهتراست» آنها تصمیم داشتند که هنرمند را در استودیو زیر نظر داشته باشند. البته این نوع از تغذیه سیاسی نمی‌توانست برای همیشه دوام داشته باشد اما بهای غلبه بر آن خیلی زیاد بود، یک قربانی همیشگی درخواست می‌کرد. در طول دوران خوش تحقق سوسیالیست «ولادیمیر کریستال» (Valdo) یک هنرمند مشهور و سرشناس و برای عده‌ای به خاطر نقاشی‌های سبک آبستره ناشناخته بود که این مسئله وقتی که او به اروپای غربی و آرژانتین رفت تغییر کرد. او پس از بازگشت به یوگسلاوی به زودی دریافت که کلیت و انسانیت واقعی یک فیلم کوتاه واقعگرایانه طنز او را با اداره سانسور به دردسر انداخته است. او به

کمک بگیرند». البته این درست است که در هیچ کشور سوسیالیست دیگری چنین فضای هنری و آزادی روشنفکرانه چنانچه در یوگسلاوی سابق بود، وجود نداشت و اگر شما به عناوین فیلم‌ها نگاه کنید به نظر می‌رسد که اصطلاح «خانواده بزرگ» تا حدی حقیقت داشته باشد. هر کدام به فیلم‌های دیگری کمک کرده‌اند و در نتیجه همان اسامی بارها و بارها دیده می‌شوند. اگرچه یک نگاه دقیق‌تر به فیلم‌ها نشان می‌دهد که تمام آن چیزهایی که به طور اساسی در آنها مشترک است تحلیل و انعکاسی از منابع فلسفی و هنری آنها است. ابتکار چیزی است که از اهمیت برخوردار است و بیشتر فیلم‌سازان به نظر می‌رسد که آرزوهای خود را به سمتی هدایت می‌کنند که به هریک از کارهایشان یک نظریه شخصی بدهند. بعضی مواقع این فیلم‌ها به خاطر ویژگی‌های خاصی تسلط یافته‌اند. مثلاً به خاطر طراحی‌ها و (Stick drawings) به شدت کاهش یافته (Tup Tup) و سپس به وسیله جزئیات فراوان به سبک کارتون‌های بزرگسالان فرانسوی (Album) گرافیک بی‌انتها (Don kihot) بعد آثار معاصر مشابه کارهای ادلمان (Macka) و یا آنهایی که یادآور کارهای کلاسیک هستند. هالووی که عملاً با ۱۸ سال اول فیلم انیمیشن در زاگرب سروکار داشت کاملاً آشکار توضیح داده که این فیلم‌سازان چقدر عمیق ریشه در آکادمی هنرهای زیبای زاگرب دارند. جدا از تأثیرات دیزنی و Trnka و الهام گرفتن از مجلات گرافیک مدرن انگیزه جدید بسیار مهمتر دیگری در میان یک گروه از فارغ‌التحصیلان جوان آکادمی هنرهای زیبا زاگرب وجود دارد. آنها با

خاطر اذیت‌هایی که برای این فیلم دید کشورش را ترک کرد و به جمهوری فدرال آلمان رفت. در زاگرب با وجود اینکه او همچنان به عنوان یک هنرمند بزرگ تحسین می‌شد باز هم مثل دفعه قبل زیر نظر دولت جدید بود. استانداردهای بسیار حرفه‌ای (ماهرانه) کریستل میراث مهمی برای زاگرب برجا گذاشت که بقیه هنرمندان از آن الهام گرفتند و برطبق آن عمل کردند. و بعد از آن یک قانون نقض نشدنی وجود داشت که می‌گفت فیلم‌های انیمیشن محصولات یک نفره هستند که به این معنی است که در حالت مطلوب هنرمند باید مسئول تک تک مراحل در عملیات تولید از اولین ایده تا طراحی‌ها و کار نهایی باشد. اما بگذارید به «سادل» برگردیم: آیا استودیوی زاگرب واقعاً یک «مکتب» است؟ یا اینکه چیزی بیش از گروهی از افراد که واقعا دوست دارند با هم کار کنند؟ در کتاب Z = Zagreb-Die Film stad der Cartoonisten فرانکفورت «رونالد هالووی» احتمالاً یک نظریه رومانیتیک ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «استودیوی زاگرب یک «مکتب» نیست یک خانواده است. احتمالاً هیچ جای دیگری چنین جو دوستانه‌ای از اطمینان دوطرفه وجود ندارد... این هنرمندان در یک کافه در رستوران حیاط استودیوهای زاگرب قدیمی همدیگر را ملاقات می‌کنند و آنجا جایی است که آنها بهترین ایده‌هایشان را کار می‌کنند... به جای آن که فریفته پیشنهاداتی که از کشورهای دیگر می‌آید شوند. آنها اغلب به یک اتمسفر آزاد که آنها می‌توانند به آزادی عقاید خود را تغییر دهند و در صورت نیاز

هجوم چک و اسلواکی در ۱۹۶۸ اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد منجر به ایجاد یک تغییر در سبک شد. اگرچه به صورت خیلی واضح تر انعکاس یک آگاهی فرهنگی کرواتى پر قدرت جدید است که نقطه اوج اولیه آن در جنس کرواتى (Croat Spring) و توقیف بنیانی (rasdical) توسط دولت فدرال یوگسلاو در ۱۹۷۱ است. با در نظر گرفتن حالت‌های اولیه مورد نیاز، سال ۱۹۷۲ به دلایل مختلفی ارزش توجه خاص دارد: چون برای اولین بار در این سال‌ها تعداد محصول کمتر بود. اولین فستیوال جهانی فیلم‌های انیمیشن (که در سال‌های بعد هم بوقوع پیوست) در زاگرب تشکیل شد. «خانه فرهنگ کروات» یک کار سه جلدی خیلی مفصل (۱۰۶۰ صفحه) درباره فیلم انیمیشن زاگرب منتشر کرد. جلد چهارم درباره دوران ۸۲-۱۹۷۲ به دنبال آن در ۱۹۸۶ به چاپ رسید. اما آخرین ولی نه کم اهمیت ترین فیلم برانگیزنده TupTup جایزه اول را نبرد.

تعداد محصولات کاهش یافت و حتی از کارهای موفقی مثل Satiemania یا Riblje oko دیگر در بقیه یوگسلاوی استقبال نشد. در همین زمان مراکز تولیدی جدیدی در جمهوری‌های دیگر ایجاد شد و از آن به بعد امتیازی انحصاری ظاهری خود را حتی در کرواسی از دست داد. در ۱۹۸۲ علاقه به فیلم‌های انیمیشن بسیار کاهش یافت و رکود هنری به قدری زیاد بود که پنجمین فستیوال بین‌المللی زاگرب فیلم‌های انیمیشن برنده جایزه بزرگ (Grand Prix) نداشت.

افزایش مشکلات اقتصادی بعد از مرگ تیتو، کمبود و تورم با ویک بحران بین‌المللی آشکار،

اکسپرسیونیسم آلمانی و مکتب «یوهاوس» مواجه شده بودند. آنها مجذوب پیام‌های اجتماعی: «Blave Reiter, Brucke» اکسپرسیونیسم مکتب «یوهاوس» بودند جائیکه هنر و صنعت با هم یکی شده‌اند. ویش از اینکه آثار فروید، کافکا و کاموس را مطالعه کنند، اندکی با هنر پاپ سورئالیسم بازی می‌کنند و تا پایان روی طراحی‌های اجتماعی انتقادی بحث می‌کنند.

هنر همیشه عامل مهم فعالیت‌های زاگرب فیلم نبود. معمولاً چنین گفته می‌شود که در دوران پرواز هنرمندانه آغاز کار (سال‌های ۶۲-۱۹۵۸ دوران طلائی زاگرب فیلم نامیده می‌شود) فیلم‌های انیمیشن بهتر از فیلم‌های سینمایی و مستند عمل کردند و به صورت مهمترین فرم فیلم یوگسلاو درآمدند. متأسفانه دوران ناامیدی بزودی پیش آمد و کوتیک و میمکا کارشان را با تمرکز بر روی فیلم‌های سینمایی شروع کردند. رفتن کریستل هم زمان بود با بحران بزرگ فیلم سازی. برای استفاده از استعدادهاى آزاد برای تولید آگهی‌های تجاری تلاشی انجام شد (که البته برای آخرین بار نبود) بنابراین در این زمینه سوسیالیزم محدودیت‌های خاصی را اعمال کرد با این وجود حتی در این رشته آگهی‌های تجارتي چندین جایزه برد. از طرف دیگر وجود بحران یک فضای تفسی برای آزمایش فرم‌های کوتاه جدید، فیلم‌های عامه پسند و تمرکز بر روی شیرین کاری ایجاد کرد.

گفتن اینکه چه چیزی باعث می‌شد که رویدادهای سیاسی همچنان در فیلم‌های انیمیشن بازکرد داشته باشند کار سختی است. هالوودی به صراحت به حوادث آسیب زنده در حاشیه

تاریخ فیلم سازی را غنی کرد. حتی اگر در این رشته در ۴۰ سال آینده تنها نیمی از شاهکارهای پیشین خود را تولید کنند این استودیو باز هم آینده درخشانی خواهد داشت.

فیلم کوتاه، تولید را بیش از پیش محدود کرد. وقتی در سال ۱۹۹۱ کرواسی استقلال خود را اعلام کرد تولید بالاخره کاملاً متوقف شد. اگرچه پیشتر زاگرب فیلم بیان گر دستاوردهای فرهنگی بزرگ کرواسی بود ولی دولت آمادگی کمک به آنها را نداشت. در مقابل جنگی که بشدت در کشور جریان داشت، فرهنگ واقعاً یک اولویت محسوب نمی شد. بسیاری از هنرمندان به خاطر امکانات و تجلی هنری به کشورهای دیگر رفته بودند. آنهایی که در کشور باقی ماندند ماه ها در مشاغل خود ماندند بدون اینکه امیدی به پرداخت حقوقشان داشته باشند.

در سال ۱۹۹۴ آینده این استودیو دوباره روشن به نظر می رسید و در ۱۹۹۵ زاگرب فیلم تقریباً دوباره شکل گرفت. نام باشکوه آن حفظ شد. استودیو «کینوتکا» برای آسانتر شدن تولید و پخش فیلم ها با آن متحد شد. اکنون فیلم های انیمیشن فقط یک شاخه زاگرب فیلم است که هنوز در مرحله تغییر است و در حال حاضر متعلق به شهر زاگرب است. آنجایی که مدیرکل به نام «دراگان اسواکو» و یک کارگردان هنری به نام «جوسکو ماروسیک» مشغول به کار هستند. برخلاف زمان سوسیالیزم به هنرمندان ماهیانه پرداخت نمی شود بلکه کار بدون وابستگی به حزب و یا گروهی است و دستمزد آن از خارج از بودجه موجود برای پروژه های فیلمی که در آن کار می کنند پرداخت می شود. آنها با تهیه کننده قراردادی می بندند که تضمین می کنند به آنها ۲۰ درصد از درآمد خالص فیلم بصورت اضافه پرداخت شود.

چهل سال کار عالی در زمینه این هنر که



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی